دنیا به روایت تصویر

گوشه‌ای از مسابقه بین‌المللی ریش در آلمان!

تصویری زیبا از مراسم رونمایی از بالگرد جدید هلال احمر و مانور طرح ملی امداد و نجات، عکس از خبرگزاری فارس

تصویری جالب از تلاش «کوین دورانت» بازیکن «اوکلاهما» برای گل کردن توپ

سرنقطه

صرفا برای شوخی

نوع جدید آسفالت!

Like Comment

* بزرگ شدیم و آخر نفهمیدیم، این بچه های مردم که مامانا هی می گفتن کیابودن که تو همه چیز از ما موفق‌ترن!؟
* تنها چیزی که یه پسر هیچ وقت ازش نا امید نمیشه ژیلت یک بار مصرفه!
* تنبلی چشم چجوریه دقیقا؟ یعنی به چشم میگی این صفحه رو نگاه کن میگه نمیخوام حسش نیست!؟
* پشت هر مرد موفقی... بالاخره یه روز می خاره !
* ایرانیان باستان اگه یه کم بیشتر حواسشون بود و یاد داشتن یه کمپین «نه به صبح زود» راه می‌انداختن، ما الان دیگه ۱۰-۱۱ صبح می‌رفتیم سر کار!
* بعضی افراد از آنچه در مدرک تحصیلی می بینید، بی‌سوادترند!
* روند تموم شدن سال این‌قدر سریعه که از همین جا غروب جمعه سیزده بدر ۹۵ رو بهتون تسلیت میگم!
* تو ظرف آجیل، تخمه ژاپنی بخواد با بادوم هندی صحبت کنه، کی زحمت ترجمه رو می‌کشه؟!
* ترم چهار بودم آخرین امتحانم استاتیک بود، حساب کردم دیدم از ۲۰ باید ۲۵ بگیرم تا مشروط نشم، یادش بخیر ماشین حسابم از خنده سوخت!

Like Comment

دی روزنامه

بهترین راه جذب گردشگر

اخبار اعلام کرد مسئولان یکی از شهرهای ایران برای این که مهمان نوروزی بیشتری جذب کنند اقدام به ارائه اینترنت بی‌سیم رایگان در پارک‌های شهر کرده‌اند. تصور کنید پدر و مادری که در طول سال از این که فرزندانشان شبانه روز به‌صورت نود درجه سرشان داخل کامپیوتر و تبلت و گوشی تلفن است و از صدای دائمی پیام رسان‌های آن کلافه شده‌اند و می‌خواهند به بهانه این چند روز عید، فرزندان را از آن «عوامل دق» جدا کنند و به گردن و انگشت شستشان استراحت بدهند، می‌روند آن شهر، تا چند ساعتی همه اعضای خانواده کنار هم باشند که صدا و قیافه یکدیگر را فراموش نکنند! بعد تا پایشان را داخل پارک گذاشتند که لم بدهند یا وسطی بازی کنند، ناگهان «دینگ دینگ!» صدای گوشی‌ها بلند می‌شود. در آن لحظه هم قیافه پدر و مادرها دیدنی است و هم قیافه فرزندان!
معلوم است که این کار نه تنها باعث جلب مسافر نمی‌شود که حتی آن‌ها را فراری هم می‌دهد. مسئولان آن شهر باید از شهرهای دیگر یاد بگیرند و روش‌های آن‌ها را به‌کار ببرند تا علاوه بر هم‌میهنان، مردم کشورهای آن سر دنیا هم بکوبند بیایند شهرشان. مثلا برنامه‌های شبکه‌های استانی را تقویت کنند و انواع سریال‌های عهد دقیانوس را تکرار کنند تا مروری بر خاطرات دوران کودکی مسافران باشد! یا در هر سوراخ و سنبه شهر یک عروسک کلاه‌قرمزی و جیگر نصب کنند تا مسافران با آن‌ها سلفی بگیرند و در اینترنت پخش و فالوئر اضافه کنند! یا پروژه‌های ناتمام و معطل مانده را به حال خودشان بگذارند تا مسافران به عنوان آثار باستانی از آن بازدید کنند و عبرت بگیرند! یا از در و دیوار شهر پارچه‌های رنگی‌پنگی و گل‌ها و علف‌های مصنوعی آویزان کنند تا مسافرانی که در عمرشان گیاه مصنوعی ندیده‌اند به این هوا به شهرشان بیایند و لذت ببرند! جذب مسافر و ارزآوری از این بهتر هم می‌شود؟
علیرضا کاردار

دور دنیا

تنیسور قهرمان معلول

نایجریا نیوز/ «ابراهیم حمدتو» تنیسور ۴۲ ساله قهرمان مصری که در نوجوانی دو دستش را در تصادف از دست داده و با وجود معلولیتش در مسابقات جهانی شرکت می کند، الهام‌بخش افراد بسیاری در دنیا شده است. او اولین بار در سال ۲۰۱۱ توانست مدال نقره پاراالمپیک آفریقا را دریافت کند. قهرمانی های او به دلیل متفاوت بودن معلولیتش که به خاطرنداشتن هر دو دست، از دهانش برای نگه داشتن راکت استفاده می کند، بسیار ارزشمند است.

کافی‌شاپی برای عاشقان «هری پاتر»

آدیتی سنترال/ ۹ سال از انتشار آخرین کتاب هری پاتر و پنج سال از ساخت آخرین سری فیلمش می گذرد اما این آثار هنوز هم در سراسر دنیا شیفتگانی دارد. کافی شاپی به نام «جغد بد» در ایالت «نوادا»ی آمریکا گواهی بر این ادعاست. دکور این کافه دقیقاً مثل مدرسه جادوگری «هاگوارتز» است و صدها طرفدار هری پاتر، در نوبت ورود به آن هستند! استقبال از این کافه به حدی است که حتی اگر رزرو کرده باشید، برای ورود باید حداقل یک ساعت دم در منتظر بمانید!

سگ آتش‌نشان!

بوردپاندا/ سگی که در زیرزمین خانه صاحبش، در میان آتش محاصره شده بود، توسط یک آتش نشان در حالی که ۷۵ درصد بدنش سوخته بود، نجات پیدا کرد. این آتش‌نشان که اوضاع وخیم او را دید، تصمیم گرفت تا این سگ را برای آموزش به مرکز آتش‌نشانی ببرد. سگ بعد از آموزش های لازم، حالا یک آتش‌نشان است و حتی نشان و درجه هم دارد و برای نجات بچه های کوچک از آتش در حال آموزش حرفه‌ای است!

فتوشعر

طنزی تازه

خانه ساختن

با یکی از دوستانم که دبیر است، صحبت از مشکلات مسکن و خانه نداشتن بود. به ایشان گفتم: «اگر دولت به شما خانه ندهد، چه کار می‌کنید؟» گفت: «هیچی، می‌سازیم.» گفتم: «یعنی امکانش را دارید که بسازید؟!» گفت: «نه، منظورم این است که می‌سوزیم و می‌سازیم!»
«کژتابی‌های ذهن و زبان» اثر بهاءالدین خرمشاهی

رادیو الان

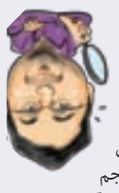

به کمپین «فوتبالیست ها را نترکانیم» بپیوندید

سلام و خدا قوت، بازی روز یکشنبه بین پرسپولیس و تراکتور که به خاطر حجم درگیری های گلادیاتوری بین بازیکنان، یادآور فیلم زیبای «اسپارتاکوس» و به خاطر انفجار مقادیری مواد منفجره یادآور سریال زیبای «آتش نشانان» و به خاطر قلم شدن پای بازیکنان، شکستن کله شون و اتفاقات دیگه یادآور کارتون «آلیس در سرزمین عجایب» بود، در روزی برگزار شد که مدیران امنیتی فیفا و یوفا در ورزشگاه بودن. این عزیزان برای شرکت در اولین کارگاه بین المللی اصول ایمنی و امنیت ورزشگاه های فوتبال به تهران اومده بودن و احتمالاً با خودشون گفتن حالا که تا این جا برای شرکت در همایش اومدیم، بریم یک بازی رو هم ببینیم تا از نزدیک دستمون بیاد امنیت ورزشگاه های کشور میزبان همایش چه جوریاست که ناگهان چند بمب یا به قولی نارنجک دستی در ورزشگاه ترکید، طوری که میگن شیشه منازل تا شعاع ۲۰۰ کیلومتری لرزیده، دودش هم جوری بود چشم چشم رو نمی دید!! همونجا مسئولان فیفا زنگ زدن به سران ارتش های جهان تا اجلاس بعدی «جدیدترین دستاوردهای نظامی بشریت» در اولین فرصت به میزبانی ورزشگاه آزادی برگزار بشه و همه کارشناسان ارتش های جهان بیان از تماشاگران ما یاد بگیرن چه جوری بمب دست ساز با اون صدا و دودرو از بازرسی ورزشگاه رد کردن و چه جوری اونقدر پرتاب با دست و هدف گیریشون خوبه که درست زدن پشت نیمکت تراکتور! از اون طرف یکسری از طرفداران محیط زیست که شامل خود انسان ها هم میشه وقتی دیدن گونه فوتبالیست ایرانی با ادامه این حجم از انفجارها در خطر انقراضه، یک کمپین راه انداختن به اسم: «فوتبالیست ها را نترکانیم» میگن تا این لحظه هنرمندان خوبی مثل آل پاچینو، اسپیلبرگ، آنجلینا جولی و بهنوش بختیاری به این کمپین پیوستن! شما هم برای پیوستن به این کمپین می تونین عدد ۲۳۳۴۵ رو به ۲۳۵۳۴۰۴۳۰۴۰ ارسال کنین، هر پیامک ۱۰۰ تومن، آخر ماه قرعه کشی دو تبلت!
سید مصطفی صابری

قصارزاده

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* چه جالب، نمی‌دونستم شما ما رو احمق فرض کردین! این «داستانک» دیروز که خیلی قدیمی بود و سال ۹۵ هم که هنوز متولد نشده! آقای صابر مصطفایی!
ماوشما: سال ۹۵ نیومده، سررسیدش که اومده و کسی نمی تونه تو سررسید جدید خاطرات قدیمی رو بنویسه!
* آقا مصطفی از مشهد! از عید امسال یا سال بعد؟! ما که هنوز نتونستیم از شنبه شروع کنیم و از روزمرگی دربیایم! شما می‌خوای از عید شروع کنی؟!
منصور، شیروان
* سؤالی که توی صفحه «خانواده و مشاوره» چاپ شده بود و مشاورتون بهش جواب داده بود، (در چه سنی به دخترمان بگویم ناتنی است) اصلاً درد جامعه نیست. درد جامعه ازدواج جووناس که شما اصلاً بهش اهمیت نمیدین.
خشایار، مشهد
* اون شوخی که با نتورک مارکتینگ کردین اصلاً خوب نبود. خوبه ما هم بقیه مشاغل رو به سخره بگیریم؟ مثلاً خود شما رسانه‌ها از کاه، کوه می‌سازین.
* آقا مصطفی که دچار روزمرگی شدی! بیرون اومدن از کار خوب نیست چون علاوه بر روزمرگی به درد بیکاری هم دچار میشی!
ر، مشهد
جواب خفن‌استریپ شماره ۵۷: کج‌سلیقه - موشکافی - صدرنشین

یادش بخیر

اندکی صبر

حکایت عشق

هر که در عشق
سر از قله برآرد هنر است
همه تا دامنه کوه
تحمل دارند...
مژگان عباسلو

در محضر بزرگان

هرچه بیشتر کمک کنی، بیشتر برایت می‌رسد

مرحوم آیت‌ا... بهجت درباره کمک به مستحق گفته‌اند: برخی تجربه کرده‌اند و دیده‌اند هرچه بیشتر بدهند، بیشتر برای آن‌ها می‌رسد! آقایی در نجف می‌گفت: این آقایان مراجع که به مستحقین کمک می‌کنند و پول، شهریه، یا نان می‌دهند ...تجربه کرده‌اند و دیده‌اند هرچه بیشتر بدهند، بیشتر برای آن‌ها می‌رسد!
«در محضر حضرت آیت‌ا. . . العظمی بهجت»، ص ۴۵

داستان های واقعی

می برمت خرمشهر

سیده زهرا حسینی در کتاب «دا» واکنش برادر کوچکش را نسبت به سقوط خرمشهر اینچنین روایت می کند: «سعید که ذوق مدرسه رفتن داشت و باورش شده بود من به خرمشهر می روم، گفت: میری خرمشهر کتاب های من رو میاری؟ عراقی ها می ذارن کتاب هام رو بیاری؟ منظورش کتاب های کلاس اول سال قبل حسن بود. گفتم: اونا غلط می کنن نذارن. می ریم بیرونشون می کنیم. اون وقت خودت رو می برم. خرمشهر، نه این که کتاب هات رو بیارم اینجا.»

فتونکته

بریده ها

وقتی شاعر از آن چه یافته می گوید و ما استعاره می پنداریم

هنرمند، در لحظه های طلب و تمرکز و شعور، بدون توجه به مجاز و تشبیه و حتی بدون توجه به تخیل خودش این ها را [مجاز، استعاره، کنایه، تشبیه و تمثیل] می فهمد. آن جا که آن سوخته می گوید: «به صحرا رفتم، عشق باریده بود چندان که پایم در عشق فرو رفت». او تخیل نمی کند، استعاره و کنایه نمی آورد، به سادگی از آن چه یافته و احساس کرده حرف می زند. آنجا که تو به حکایت می گویی: به خیابان رفتم باران باریده بود، پاهایم در آب فرو رفت، مگر داری با خیال کار می کنی و استعاره و کنایه می آوری؟ تو با سادگی حرف می زنی و این سوخته هم با سادگی می گوید، اما گفته اش برای تو که نمی فهمی اگر دروغ نباشد، مجاز و استعاره و تشبیه است، در حالی که راستی او این بارش عشق و محبت خدا را می بیند و به راستی که نه تا پا، که تا سر در این بارش رحمت و عشق غرق می شود...
«استاد و درس» اثر علی صفایی حائری

واژه شناسی

دارو

در فارسی میانه «دار»، به معنای «درخت» آمده و چون در گذشته اغلب مواد مورد استفاده برای درمان بیماری ها منشاء گیاهی داشته به این مواد، دارو گفته شده است. کلمه «دراگ استور» که بر سر در داروخانه ها به کار برده می شود نیز ماخوذ از واژه darawaka ایران باستان است.
«ریشه شناسی» اثر محسن ابوالقاسمی